

آیت الله العظمیٰ مکارم شیرازی

چند نکتہٴ مهم دربارہٴ

رہیتِ ہلال

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ -

چند نکته مهم درباره رؤیت هلال / مکارم شیرازی. - قم: مدرسه
الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۴۲۶ ق. = ۱۳۸۴.

ISBN 964-8139-49-0

۲۴ ص

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. ماه - - رؤیت (فقه). الف. عنوان

۲۹۷/۳۵۴

BP ۱۸۸/۱۳/م۷ ج ۹

نام کتاب: چند نکته مهم درباره رؤیت هلال

مؤلف: حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته)

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: دوم

تاریخ انتشار: ۱۳۸۴ ش

صفحه و قطع: ۲۴ صفحه / پالتویی

چاپ: سلیمانزاده

ناشر: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)

شابک: ۹۶۴-۸۱۳۹-۴۹-۰



قم - ابتدای خیابان شهید کوی آمار (۲۲) - پلاک ۱۵

تلفکس: ۷۷۳۲۴۷۸

www.amiralmomeninpub.com

قیمت: ۱۲۰ تومان



چند نکته مهم درباره رؤیت هلال

اشاره:

جمعی از برادران روحانی از اینجانب خواستند که نظر خود را درباره مسائل مربوط به رؤیت هلال با ذکر دلیل کوتاه و مختصر بیان کنم.

این نوشتار به عنوان اجابت دعوت این عزیزان و انجام وظیفه در این شرایط خاص، تنظیم شده است، و عمدتاً به اصل مسأله «رؤیت هلال» سپس به «مسأله رؤیت هلال با تلسکوپ» و بعد به «مسأله اتحاد افق» مربوط می شود.



ولی قبل از همه به مسأله‌ای که شاید مهمتر از اینها باشد می پردازم و آن اختلاف اسفناکی است که بارها در طی سال‌های

اخیر، در امر «رؤیت هلال شوال» رخ داد و شهد شیرین عید را در کام همه تلخ کرد.

گروهی امروز نماز عید می خواندند و می گفتند «اسئلک بحق هذا الیوم الذی جعلته للمسلمین عیداً...» و فردا گروه دیگری در همان شهر و گاه در همان مسجد، عین همین عبارت را می گفتند و معلوم نبود منظور از «المسلمین» در این عبارات کیست؟!

عده‌ای به هم تبریک عید می گفتند و جماعتی در حال روزه بودند و دعای یا علی یا عظیم... و هذا شهر عظمته و کرمته... و هو شهر رمضان... می خواندند و گاه در یک لحظه و حتی یک خانه این اختلاف جانکاه دیده می شد، در حالی که اسلام دین «توحید» در تمام زمین‌هاست و خواهیم دید حتی با وجود اختلاف فتاوی هیچ موجبی برای این اختلاف‌ها نیست.

مردم از این بیم دارند که در سال‌های بعد نیز این امر تکرار شود، و در نتیجه بعضی از ناآگاهان تعلیمات اسلام را زیر سؤال ببرند.

این امر هنگامی نگران کننده‌تر می شود که می بینیم در اغلب کشورهای اسلامی مسأله رؤیت هلال حل شده و لااقل اهل یک کشور با یکدیگر هماهنگ هستند، ولی در کشور ما چگونه است؟

شاید تنها ما هستیم که این مسأله را حل نکرده‌ایم، با این که
فقه‌های قوی و آگاهی داریم.

مشکل اصلی در این است که ما با مسألهٔ رؤیت هلال که از
«موضوعات» است مانند یک مسألهٔ فقهی و «حکمی از احکام
شرع» برخورد می‌کنیم.

در حالی که می‌دانیم مردم هر چند در مسائل و احکام فقهی
یا باید مجتهد باشند یا از مجتهدی پیروی کنند، ولی در
موضوعات (مانند رؤیت هلال) هر کس می‌تواند به یقین و
اطمینان خود عمل کند.

توضیح این که وجوب روزهٔ ماه مبارک رمضان از ضروریات
اسلام و واضحات قرآن است و هیچ کس در آن تردید ندارد، و
چون اصل وجوب از ضروریات دین است، طبعاً تقلید هم در آن
راه ندارد؛ ولی در احکام، جزئیات، شرایط و موانع روزه باید یا
مجتهد بود یا از مجتهدان آگاه تبعیت کرد.

اما این که امروز ماه مبارک رمضان است، یا نیست، از
موضوعات است که هر کس می‌تواند در آن به تشخیص خود عمل
کند، یعنی هر گاه بر کسی ثابت شد که روز اوّل ماه رمضان است
می‌تواند روزه بگیرد و اگر عید ثابت شد، افطار کند.

گرچه مردم روی اعتمادی که به مراجع دارند در این گونه موضوعات مهم نیز به سراغ مراجع می‌روند تا بهتر تشخیص دهند، اما مراجع از نظر شرعی هیچ الزامی به نظر دادن درباره این موضوع ندارند و می‌توانند بگویند این مسأله از موضوعات است و خودتان تحقیق کرده و عمل کنید.

از سوی دیگر اگر هر یک از مردم در این مسأله که جنبه عمومی و اجتماعی دارد، جداگانه به تحقیق پردازد اختلافات زیادی، به خاطر تعدد منابع تحقیق، به وجود می‌آید که با روح اسلام سازگار نیست.

همان گونه که رجوع به مراجع به طور جداگانه نیز از این مشکل دور نخواهد بود، زیرا ممکن است چند نفر از شهود نزد یک مرجع بزرگوار به گونه‌ای گواهی دهند و چند نفر به شکل دیگر نزد مرجع بزرگوار دیگری، یا شهودی که نزد یک مرجع گواهی می‌دهند، ممکن است مورد اعتماد دیگری نباشند، یا اصلاً شهودی که نزد این مرجع می‌روند، موقتاً به درک محضر مرجع دیگر نشوند.

این امور سبب می‌شود هلال ماه بر یکی ثابت شود، و بر دیگری ثابت نگردد، و اختلاف جانکاه و نگران کننده‌ای میان مردم

پیدا شود و عظمت عید و ماه مبارک و شعائر مربوط به آن زیر سؤال رود و حتی به یک شهر و در یک خانه نیز کشیده شود.



شورای رؤیت هلال

در این جا راه روشنی وجود دارد که می‌تواند به این اختلافات پایان دهد و لاقلاً اهل یک کشور، مسیر واحدی را طی کنند و عظمت و شکوه این برنامه‌های اسلامی را حفظ کنند و آن این که شورایی برای مسأله رؤیت هلال از آگاهان این فن و نمایندگان مراجع تشکیل گردد و تمام اطلاعاتی که درباره رؤیت هلال از هر طرف می‌رسد، چه از طریق شهود عینی یا خبرگان فن نجوم - که ممکن است نظرات آنها به عنوان مؤید مورد توجه قرار گیرد - گردآوری کنند و از جمع‌بندی آنها، نظر واحدی ابراز دارند.

ممکن است گفته شود هر گاه اعضای شورای رؤیت هلال نظر واحدی نداشته باشند (خواه به خاطر جرح و تعدیل شهود باشد، یا غیر آن) چه خواهد شد؟

پاسخ این است که نظر اکثریت می‌تواند معیار باشد چرا که برای غالب مردم اطمینان‌بخش‌تر خواهد بود و به یقین «اقریبیت به واقع» دارد و چون همان طور که اشاره شد، بحث تشخیص موضوع

است نه تشخیص حکم، مشکلی ایجاد نمی‌کند.

سؤال دیگری که ممکن است مطرح گردد این که گاه مراجع در پاره‌ای از احکام مربوط به رؤیت هلال اختلاف فتوی دارند که در مسأله تأثیرگذار است.

به عقیده ما این نیز مشکل مهمی ایجاد نمی‌کند و ما راه حل آن را نیز یافته‌ایم، که شرح آن از عهده این مختصر بیرون است. در هر صورت شرعاً می‌توان نظر اکثریت شورای رؤیت هلال را که با دقت کامل همراه باشد، پذیرفت و به آن اعتماد کرد.

به یقین حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) راضی نیست که پیروان او در یک چنین امر مهمی گرفتار تشّت و تفرقه حتی در یک شهر و یک خانه شوند و قدرت و قوت آنها به ضعف گراید و در برابر دشمنان سرشکسته گردند.

هنگامی که ائمه اهل بیت علیهم‌السلام برای حفظ شوکت مسلمین اجازه می‌دهند پیروان آنها در نماز جماعت اهل سنت شرکت جویند، با این که اختلافاتی در بسیاری از فروع نماز با آنها دارند، چگونه راضی می‌شوند مسأله رؤیت هلال موجب آن همه تشّت گردد؟ آن هم در جهان امروز که اخبار به سرعت از نقطه‌ای به نقاط دیگر منتقل می‌گردد.

و از عجایب روزگار این که به خاطر نبودن یک شورای متمرکز دقیق برای رؤیت ماه و اعتماد بر شهود غیر خبره، سالهاست که مردم ماه مبارک را ۲۹ روز روزه می‌گیرند و کمتر کسی به خاطرش می‌آید که ماه مبارک را ۳۰ روز روزه گرفته باشد (جز در موارد بسیار نادر) و این از نظر علمی غیر ممکن است و معلوم نیست چه کسی در برابر این امر مسؤول است؟

امید است صاحب‌نظران به مسأله «شورای رؤیت هلال» بیشتر بیندیشند و راهکارهای آن را روشن‌تر سازند.



آیا رؤیت ماه با تلسکوپ کافی است؟

«مشهور» در میان مراجع این است که رؤیت هلال، باید با چشم غیر مسلح باشد ولی بعضی از فقهای معاصر قائل به کفایت مشاهده با تلسکوپ شده‌اند.

با دقت در ادله ثابت می‌شود که - با احترامی که به همه آراء مجتهدین می‌گذاریم - این رأی موافق با ادله و قواعد فقه نیست زیرا:

اولاً: در روایات متواتره معیار ثبوت ماه، رؤیت ذکر شده از جمله در باب سوم از ابواب شهر رمضان وسائل الشیعة ۲۸ روایت

نقل شده که غالباً همین مضمون را دارد. «اذا رأيت الهلال فصم و اذا رأيت فافطر» یا «صم للرؤية و افطر للرؤية»؛ هنگامی که ماه را دیدی روزه بگیر و هنگامی که آن را (در پایان رمضان) دیدی افطار کن.

در ابواب بعد از آن نیز روایاتی در این زمینه دیده می‌شود. و هنگامی که سخن از رؤیت به میان می‌آید منصرف به رؤیت متعارف است که رؤیت با چشم غیر مسلح می‌باشد، زیرا فقها در تمام ابواب فقه اطلاقات را منصرف به افراد متعارف می‌دانند، مثلاً:

۱ - در باب وضو می‌گویند حدّ صورت که باید شسته شود آن مقداری است که میان رستنگاه مو و چانه (از طرف طول) و آن مقداری که میان انگشت شست و انگشت «میانه» قرار می‌گیرد، از طرف عرض است.

سپس تصریح می‌کنند که مدار بر افراد متعارف از نظر طول انگشت‌ها و محلّ رویدن موی سر و مانند آن است، و افراد غیر متعارف باید مطابق افراد عادی عمل کنند.

۲ - در باب مقدار کر که آن را به وجب تعیین می‌کنند، مدار وجب‌های متعارف است و آنچه خارج از متعارف می‌باشد از نظر فقها معیار نیست.

۳ - در باب مقدار مسافتهایی که در فقه با قدم تعیین می‌شود، مدار بر قدم متعارف است.

۴ - در نماز و روزه در مناطق قطبی یا نزدیک به قطب که روزها یا شبها بسیار کوتاه و غیر متعارف است، بسیاری از فقها مدار را بر مناطق متعارف می‌گذارند.

۵ - در مسألة حدّ ترخّص (دیدن دیوارهای شهر، یا شنیدن اذان) تصریح می‌کنند معیار چشم‌های متوسط (نه زیاد تیزبین نه فوق العاده ضعیف) و صداهای متعارف و گوش‌های متعارف است و آنچه خارج از متعارف باشد معیار نیست (رجوع شود به مسألة ۶۴ از مسائل صلوة المسافر عروة الوثقی) و بزرگان فقهای معاصر با متن کاملاً موافق هستند.

۶ - در مورد منکراتی که حدّ آن جلد (شلاق) است گفته‌اند شلاق باید متعارف باشد و از شلاق‌های سنگین و پرفشار و غیر متعارف بپرهیزند، همچنین از شلاق‌های بی اثر یا کم اثر.

۷ - در ابواب نجاسات می‌گویند اگر جرم نجاست (مثلاً خون) ظاهراً زایل شود ولی رنگ یا بوی آن بماند پاک است، حال اگر کسی با میکروسکوپ ذرات کوچکی از خون را ببیند که حتماً می‌بیند (چون رنگ و بو با اجزاء همراه است)، چون این مشاهده

خارج از متعارف است مدار احکام نیست.

۸ - هر گاه ماده نجس (مانند خون) در آب کر مستهلک شود همه می‌گویند پاک است با این که با میکروسکوپ می‌توان ذرات خون را در آب مشاهده کرد.

علاوه بر این «هشت مورد» موارد متعدّد دیگری در سراسر ابواب فقه وجود دارد که کلام شارع و لسان آیه یا روایت مطلق است و فقها آن را منصرف به «فرد متعارف» می‌دانند.

به یقین در مورد رؤیت هلال که در روایات متواتره وارد شده نیز معیار رؤیت متعارف است یعنی چشم غیر مسلّح و چشم‌های مسلّح خارج از متعارف است و مقبول نیست.

ما نمی‌توانیم همه جا در فقه در مطلقات ادله به سراغ افراد متعارف برویم، ولی در رؤیت هلال فرد کاملاً غیر متعارفی را ملاک حکم قرار دهیم.



ثانیاً: بعضی می‌گویند معیار در آغاز ماه، «تولّد ماه در واقع» است و رؤیت و مشاهده جنبه «طریقی» دارد نه «موضوعی». بنابراین اگر با وسیله غیر متعارف از تولّد ماه آگاه شویم، کافی است.

در پاسخ می‌گوییم به یقین ظاهر روایات این است که قابلیت رؤیت با چشم عادی، جنبه موضوعی دارد (تکرار می‌کنم قابلیت رؤیت با چشم عادی) زیرا:

اگر معیار تولّد واقعی ماه باشد مشکل مهمّی پیش می‌آید که نمی‌توان به آن تن در داد و آن این که غالباً تولّد ماه قبل از امکان رؤیت با چشم عادی صورت می‌گیرد، و به عبارت دیگر در بسیاری از موارد ماه در آسمان ظاهر می‌شود و هیچ کس با چشم عادی آن را نمی‌بیند و شب بعد قابل رؤیت است.

بنابراین باید قبول کرد که ماه واقعاً در بسیاری از موارد یک شب جلوتر متولّد شده منتها چون مردم با چشم عادی آن را ندیده‌اند، شب دوم ماه را شب اول ماه پنداشته‌اند.

درست است که بر اثر ندیدن و ندانستن معذور بوده‌اند ولی آیا می‌توان قبول کرد که مسلمین جهان از آغاز بعثت پیامبر ﷺ تاکنون و حتّی در عصر آن حضرت ﷺ مکرّر بر مکرّر اول ماه را اشتباه گرفته‌اند، و از فضل شب‌های قدر محروم بوده و روز عید را روزه گرفته و به خاطر نداشتن تلسکوپ روز بعد نماز خوانده‌اند (چون ماه قبلاً متولّد شده اما با چشم غیر مسلح قابل رؤیت نبوده).

حتّی کسانی که فعلاً تلسکوپ را برای رؤیت ماه کافی می‌دانند باید بپذیرند که در بسیاری از سال‌های گذشته، خود آنان و مقلدانشان دوم ماه مبارک را آغاز ماه و دوم شوّال را اول شوّال حساب کرده‌اند، زیرا از تلسکوپ بهره نگرفته‌اند و اگر می‌گرفتند می‌دانستند اوّل ماه یک روز جلوتر بوده و شب‌های قدر نیز در جای خود قرار نگرفته و از دست رفته است.

این‌ها همه گواهی می‌دهد که معیار تولّد واقعی ماه نیست، بلکه معیار قابلیت رؤیت با چشم عادی است.

اساساً در علم اصول گفته‌ایم «اماره» و «طریق» شرعی نمی‌تواند کثیرالخطا باشد، زیرا مردم از درک واقع محروم خواهند شد. در مواردی که اماره کثیرالخطا باشد باید گفت خود اماره موضوعیت دارد (دقّت کنید).

این باورکردنی نیست که در گذشته حتّی در زمان پیغمبر اکرم ﷺ و سایر معصومین علیهم‌السلام مردم از درک عید و لیالی قدر محروم بوده‌اند، بلکه به عکس ما معتقدیم استفاده از تلسکوپ برای رؤیت ماه سبب می‌شود که مردم از آغاز و پایان ماه محروم شوند! زیرا معیار واقعی چشم غیر مسلّح است.

ممکن است بعضی تصوّر کنند که با استفاده از تلسکوپ بساط

اختلافات برجیده می‌شود در حالی که این کار هیچ اثری در این امر ندارد، چرا که قدرت تلسکوپ‌ها کاملاً با هم فرق دارد و مناطقی که در آن نصب می‌شود از حیث وجود غبار و بخار آب در افق متفاوتند. بنابراین ممکن است بعضی با تلسکوپ خود آن را ببینند و بعضی نبینند و انکار کنند و سفرهٔ اختلاف دگر بار گسترده می‌شود.



آیا وحدت افق شرط است؟

هر گاه در نقطه‌ای از جهان هلال ماه رؤیت شود آیا برای سایر نقاط کافی است؟

مشهور در میان فقهای گرامی اهل بیت علیهم‌السلام این است که اتحاد افق شرط است. مرحوم محقق یزدی مسأله را در عروة مطرح کرده و تقارب بلاد یا وحدت افق را شرط دانسته و اکثریت قریب به اتفاق مُحشّین، آن را پذیرفته‌اند.

ولی بعضی از بزرگان پیشین و معاصر آن را شرط ندانسته و رؤیت هلال را در یک نقطه از جهان کافی برای مناطق دیگر دانسته‌اند (مشروط بر این که لا اقل در جزئی از شب با هم مشترک باشند).

آغازگر این فتوا در عصر ما مرحوم آیه الله العظمی خوئی (رضوان الله علیه)، بود سپس جمعی دیگر از شاگردان ایشان به ایشان تأسی جستند.

عمده دلیلی که بر آن اعتماد می کنند دو چیز است:

۱- طلوع ماه و تولّد آن (و خروج از تحت الشعاع) یک پدیده آسمانی است که مربوط به مقابله خورشید با ماه است. هر گاه آن نیمی از کره ماه که دائماً مقابل ما قرار گرفته از تاریکی خارج شود و کمی از آن در برابر خورشید قرار گیرد، ماه نو آغاز شده است و ارتباطی با مناطق مختلف زمین ندارد و این یک امر آسمانی است نه زمینی.

در تقریرات درس حضرت آیه الله خوئی آمده است: «تکوّن الهلال عبارة عن خروجه عن تحت الشعاع بمقدار يكون قابلاً للرؤية و لو في الجملة و هذا كماترى امر واقعى وحدانى لا يختلف فيه بلد عن بلد و لا صقع عن صقع لانه كما عرفت نسبة بين القمر و الشمس لا بينه و بين الارض فلا تأثير لاختلاف بقاعها في حدوث هذه الظاهرة الكونية في جوّ الفضاء»^(۱).

* * *

۱. المستند فی شرح العروة الوثقی، ج ۱۲، ص ۱۱۸ للبروجردی.

ولی این سخن موافق با مسطح بودن زمین و نفی کرویت آن است. در حالی که امروز کرویت زمین از امور محسوسه است. اگر در گذشته می‌بایست با ادله نظری کرویت زمین اثبات شود، امروز ماهواره‌ها از تمام زمین عکسبرداری کرده و برای ما می‌فرستند و مسافران فضا نیز زمین را کروی می‌بینند و کاملاً یک امر محسوس است.

به عبارت دیگر، تکون و تولد ماه مربوط به سه چیز است: «ماه» و «خورشید» و «زمین»، زیرا تولد ماه به این است که خط باریکی از بخش نورانی ماه در برابر اهل زمین قرار گیرد، به یقین این بخش نورانی را کسانی که در بخشی از کره زمین که محاذی با آن است، زودتر مشاهده می‌کنند. این مطلب را می‌توان با یک آزمایش حسی نشان داد. سه کره تهیه کنیم یکی نورانی مانند یک لامپ روشن و دو کره غیر نورانی. به خوبی ملاحظه می‌کنیم که اگر کره اول ظلمانی را چنان در مقابل کره نورانی قرار دهیم که فقط یک نوار باریک نورانی به طرف کره سوم باشد، کسانی که در بخش محاذی آن نقطه نورانی قرار دارند، آن را می‌بینند و کسانی که محاذی نیستند نمی‌بینند.

چیزی که با تجربه حسی قابل درک است، نیاز به توضیح

بیشتری ندارد، آری اگر زمین مسطح بود گفتار بالا صحیح بود، ولی قطعاً مسطح نیست.



ایراد دیگری که بر این سخن وارد می‌شود این که آنها می‌گویند تمام بلادی که در قسمتی از شب با نقطه رؤیت ماه مشترک هستند، اول ماه آنها یکی است.

مفهوم این سخن آن است که اگر مثلاً هنگام غروب آفتاب در مکه ماه تولد یابد، و مشاهده شود، مناطقی که در شرق آن قرار دارد و چندین ساعت از شب آنها گذشته یا حتی نیمه شب یا اواخر شب آنهاست، ماه برای آنها عوض می‌شود یعنی تا نیمه شب یا اواخر شب، برای آنها شب آخر ماه رمضان بوده چون ماه شوال متولد نشده بوده و دعاهای شب آخر را می‌خواندند. ناگهان از نیمه شب، شب اول ماه شوال می‌شود، چون به هنگام غروب آفتاب «مکه» ماه در آن ساعت تولد یافته است!

این امر عجیب و غیر قابل قبول است، زیرا قبل از آن ساعت (غروب آفتاب مکه در مفروض بحث) قطعاً ماه از تحت الشعاع خارج نشده بود و پس از خروج، اول ماه شروع شده، یعنی برای بعضی مناطق از نیمه شب یا آخر شب، ماه شوال شروع می‌شود، و

قسمت مهمّی از شب آنها، شب آخر ماه رمضان بوده است. اگر گفته شود از اوّل شب برای همه این مناطق ماه شوّال بوده، قابل قبول نیست، چون فرض بر این است که تا آن ساعت ماه از تحت الشعاع خارج نشده بوده و قطعاً ماه شوّال نبوده است. پس از خروج و تولّد ماه، برای تمام این مناطق اوّل ماه است، یعنی واقعاً نیمی از شب، شب آخر رمضان و نیمی از آن واقعاً شوّال است. بدیهی است برای مناطق دورتر که در شب با آنجا اشتراک ندارند (مانند کانادا و آمریکا) اوّل ماه یک روز بعد از آن خواهد بود. (دقّت فرمائید)



دلیل دوم طرفداران عدم اختلاف آفاق، اطلاق روایات، مخصوصاً صحیح هشام بن حکم است که نشان می‌دهد اگر در یک منطقه ماه رؤیت شود برای همه مناطق کافی است. روایت چنین است: هشام بن الحکم عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال فی من صام تسعة و عشرين قال : ان کانت له بیّنة عادلة علی اهل مصر انهم صاموا ثلاثین علی رؤیته قضی یوماً (۵/۱۳) من ابواب احکام شهر رمضان)

آنها معتقدند اطلاق روایت دلالت دارد در هر شهری از

شهرهای دنیا ماه دیده شود، برای شهرهای دیگر کافی است خواه بسیار دور باشد یا نزدیک.

همچنین بعضی روایات دیگر.

پاسخ: این سخن قابل مناقشه است، زیرا اطلاق این روایات منصرف به بلادی است که اطلاع رسانی در آن زمان نسبت به آن معمول بوده است نه بلادی که چندین ماه با آنها دور بوده است و کمتر خبری از آن می‌رسیده است.

به عبارت دیگر این روایات ناظر به بلاد متقاربه از نظر افق است که گاه با وسائل آن زمان یک هفته یا یک ماه طول می‌کشید تا از یکی به دیگری مسافرت کنند، ولی «بلاد غیر هم افق» را که گاه چندین ماه با وسائل آن زمان طول می‌کشید تا خبرش برسد شامل نمی‌شود، زیرا کمتر اتفاق می‌افتاد کسی بعد از چند ماه به فکر خبررسانی و فحص و بحث دربارهٔ ماه رمضان گذشته بیفتد. حتی اگر شک در اطلاق (و تحقق مقدمات حکمت) در اینجا داشته باشیم، مساوی با عدم اطلاق است. (همان گونه که در اصول آمده است)

بنابراین با این گونه روایات جز حجیت شهادت به رؤیت در بلاد نزدیک و هم افق را نمی‌توان اثبات کرد.

* * *

جالب این که بعضی از گذشتگان به لزوم وحدت شب قدر و تعیین مقدرات در یک شب معین و فضیلت آن، استناد جسته‌اند در حالی که طرفداران این عقیده، وحدت اول ماه را تنها در مناطقی پذیرفته‌اند که در مقداری از شب با منطقه رؤیت هلال مشترک باشد، یعنی برای مناطق دیگر زمین که به هنگام رؤیت هلال روز است (مانند کشورهای کانادا، آمریکای شمالی و جنوبی) به ناچار شب قدر دیگری قائل هستند و اول ماه آن مناطق را یک روز متفاوت می‌دانند!

و از آن جالب‌تر قول کسانی است که می‌گویند کشورهای اسلامی در منطقه‌ای قرار دارند که در مقداری از شب با هم مشترکند.

در حالی که در کشورهای دور دست میلیونها مسلمان زندگی می‌کنند، به علاوه ما معتقدیم که اسلام و احکام آن سرانجام تمام کره زمین را فرا خواهد گرفت، تکلیف مسلمانان در آن زمان چه خواهد بود؟



کوتاه سخن این که همان گونه که مشهور فقهای ما پذیرفته‌اند و دلایل مختلف نیز گواهی می‌دهد، اتحاد افق در رؤیت هلال

شرط است، و این امر نتیجهٔ کرویّت زمین است، همان گونه که اختلاف در اوقات نماز و شب و روز ناشی از آن است و اگر منظور، حفظ وحدت میان مسلمین است (با وجود کرویّت زمین)، وحدت تنها در یک منطقه امکان پذیر است نه در تمام دنیای اسلام، زیرا مسلمانانی در نیم کرهٔ دیگر زمین زندگی می کنند که حتی مطابق قول «عدم لزوم وحدت افق» عید جداگانه ای دارند. (البته شرح مسائل فوق مجال و بحث وسیع تری را می طلبد).

(والله العالم بحقائق احکامه)

پایان

بهمن ماه ۱۳۸۳ - ذی الحجه ۱۴۲۵